

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتاب و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش نودم

۲۲ می ۲۰۱۵

### بسیج توده ها برای به کار انداختن ذخائر داخلی

سال ۱۹۵۷ نه فقط در امر جمعی کردن کشاورزی بلکه در مجموعه اقتصاد توده ئی چرخش به وجود آورد. مجموعه تولید صنعتی به نسبت ۱۹۵۶ تا ۲۶ در صد افزایش یافت. نقشه پنج ساله در رشته های عمده صنعت خیلی بیش از اندازه های مقرر اجراء شد. تولید کشاورزی ۱۵ درصد بالا رفت. این کامیابی ها از همان اکتوبر ۱۹۵۷ امکان داد که سیستم جیره بندی ملغی گردد و قیمت کالا ها تنزل یابد و این امر پیروزی بزرگ سیاسی و اقتصادی بود. الغای کامل سیستم جیره بندی و گذار به بازرگانی آزاد بدون محدودیت و با قیمت های واحد دولتی، به توزیع صحیح تر محصول اجتماعی، توزیع که طبق اصل سوسیالیستی بر کمیت و کیفیت کاری مبتنی باشد بسیار کمک کرد. شرایط زندگی توده های زحمتکش بهبود یافت. در آمد ملی ۱۴ درصد بالا رفت. گردش کالا نسبت به سال ۱۹۵۶ به طور سرانه ۱۹ درصد بیشتر شد. آموزش و خدمات بهداشت همگانی مجدداً بسط یافت در تیرانا دانشگاه دولتی تأسیس شد که به صورت بزرگترین مرکز آموزش و مهمترین مؤسسه علمی کشور در آمد.

چرخشی که در ۱۹۵۷ در رشد اقتصاد توده ئی به وقوع پیوست در درجه اول مرهون شور و شوق انقلابی توده های زحمتکش بود، مرهون آن بود که سازماندهی کار در بنگاه های اقتصادی، کنوپراتیوها و ارگان های دولتی بهتر شد و حزب به وجه مؤثرتری به رهبری اقتصاد پرداخت.

حزب در تحلیل فعالیتی که در عرض دو سال در اجرای نقشه پنج ساله دوم صورت گرفته بود به این نتیجه رسید که ذخائر استفاده نشده عظیمی در کشور وجود دارد که باید آنها را یافت و در راه رشد سریع اقتصاد و فرهنگ به کار انداخت. این مسأله در توده های وسیع زحمتکشان به بحث گذاشته شد. در عین حال سازمان های دولتی برنامه گذاری، مأموریت یافتند که در شاخص های نقشه پنجساله که قبلاً معین شده بود تجدید نظر کنند و آنها را ارتقاء دهند. مباحثات توده ئی باعث کشف ذخائر داخلی شد که میزان آنها از حد پیش بینی های کمیسیون برنامه دولتی می گذشت.

پلنوم کمیته مرکزی که در فیروزی ۱۹۵۸ تشکیل شد با تکیه اساسی بر پیشنهاد های زحمتکشان تصمیم گرفت کلیه شاخص های دومین نقشه پنجساله را بالا برد. به این طریق ارقام نقشه در مورد حجم کلی تولید صنعتی و کشاورزی که از طرف کنگره سوم معین شده بود ۱۷ درصد ترقی کرد. به ویژه ارقام سرمایه گذاری ها و ساختمان های بزرگ افزایش زیاد یافت. شاخص های ارتقاء رفاه حال مردم و سطح فرهنگی آنها نیز ترقی داده شد. این افزایش ها که در شاخص های دومین نقشه پنجساله وارد شد به طور عمده بر اساس تراکم ذخائر داخلی قرار داشت.

برای آن که چرخشی که آغاز شده بود تا پایان صورت گیرد حزب نیروهای خود و قوای لایزال زحمتکشان شهر و ده را بسیج کرد. کار رهبری، کار سازمانی و توضیحی، تشکیلات بنیادی و کمیته های حزبی بهبود بسیار پذیرفت. ترکیب آنها با اعضای جدیدی که از میان کارگران و اعضای کئوپراتیوها و زنان زحمتکش برخاسته و در ساختمان سوسیالیستی و مبارزه علیه دشمنان طبقاتی آزمایش داده بودند، تقویت شد.

اتحادیه های حرفه ئی بیش از پیش به پرورش کمونیستی زحمتکشان و اجرای شعار: «نگاه خود را به تولید بر گردانیم» توجه کردند، تبلیغات خود را در زمینه تولید توسعه دادند و کار خود را در جهت ارتقای کارگران به مقام اداره و رهبری اقتصاد تکامل بخشیدند. جلسات کارگران که مخصوص مسائل تولید تشکیل می گردید جاندار تر شد. شکل های جدید مسابقه سوسیالیستی ظهور کرد و گسترش یافت و ابتکار خلاق زحمتکشان روبه فزونی نهاد. نهضتی مبنی بر تمديد دوام افزار ها و استفاده با صرفه تر و کامل تر از ظرفیت های تولیدی اشاعه یافت. تعداد کثیری از کارگران زبده منفعت مادی خویش را زیر پا گذاشته بریکادهای پیش آهنگ را ترک گفتند و به بریکادهای دیگر رفتند تا آنها را به جبران عقب ماندگی نائل گردانند. نهضت ۱+۲ به وجود آمد (هرکارگر متخصص متعهد می شد که دو کارگر دیگر را به تخصص خود برساند).

در روستا ها این نهضت برپا شد که هر عضو کئوپراسیون سالیانه ۳۰۰ روز کار داشته باشد. کارگران بخش های مکانیزاسیون کشاورزی با این ابتکار پیش آهنگ پیوستند که بر دوام تراکتور ها بیفزایند و در سوخت صرفه جوئی کنند.

بسیج انقلابی توده های زحمتکش تکان تازه ای به رشد اقتصادی کشور داد. این که نقشه اقتصادی سال ۱۹۵۸ بیش از اندازه های افزایش یافته اجراء شد مؤید صحت رهنمود حزب در جهت کشف و بهره برداری ذخائر داخلی بود.

### **خاتمه جمعی کردن کشاورزی در خطوط اصلی**

جمعی کردن کشاورزی با آهنگی سریع به پیش رفت. در پایان ۱۹۵۹ سطح اراضی جمعی شده بیش از ۸۳ درصد بهره برداری های دهقانی بود و بخش سوسیالیستی کشاورزی بیش از ۸۶ درصد مجموعه زمین های کشتند کشور را در بر می گرفت. پس جمعی کردن کشاورزی در خطوط اصلی خود پایان یافته و فقط در بهره برداری هائی که در اراضی بسیار مرتفع قرار داشت هنوز کئوپراتیو تشکیل نشده بود. با این طریق رهنمود کنگره سوم حزب یک سال زود تر از موعد مقرر تحقق پذیرفت.

خاتمه جمعی کردن کشاورزی یکی از مهمترین پیروزی های تاریخی انقلاب سوسیالیستی در جبهه اقتصادی و اجتماعی بود و موجب ایجاد مناسبات تولیدی جدید سوسیالیستی در روستا گردید.

**جمعی کردن کشاورزی، انقلاب دوم و قاطع ترین چرخش انقلابی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی روستاها**

جمعی کردن کشاورزی راه را بر اعتلای سریع نیروهای مولد و بر تحولات اساسی در زندگی اجتماعی و فرهنگی ده گشود. خاتمه جمعی کردن کشاورزی تأیید کرد که رهنمود کنگره سوم حزب در مورد تسریع نوسازی سوسیالیستی روستاها کاملاً صحیح و به موقع بوده است.

حزب کار البانی در جمعی کردن کشاورزی پیوسته شرایط رشد سیاسی و اقتصادی کشور را در نظر داشت. شکل، اسلوب و آهنگ تحقق کنوپراسیون در کشاورزی نیز با شرایط مذکور تطبیق داده شد.

جمعی کردن کشاورزی در شرایطی آغاز شد و انجام یافت که مالکیت ارضی کوچک خصوصی دهقانی شیوع داشت. جمعی کردن در دورانی صورت گرفت که صنایع نوین سوسیالیستی هنوز امکان نداشت کشاورزی را با ابزارهای جدید مجهز گرداند. حزب کار البانی معتقد بود که نباید جمعی کردن را در انتظار پایان صنعتی شدن کشور مصنوعاً مانع گردید و نباید جمعی کردن را پیش از فراهم آمدن شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که کاملاً برای آن ضروری است مصنوعاً به پیش تازاند. با این طریق جمعی کردن کشاورزی پیش از پایان صنعتی شدن کشور آغاز شد و انجام پذیرفت.

معدک کنوپراتیوها از همان آغاز جمعی شدن کشاورزی توانستند از وسائل مکانیزه که در دست دولت، در مراکز ماشین و تراکتور متمرکز بود بر خوردار شوند. برای آن که تولید بزرگ جمعی در روستا به راه افتد به وارد کردن وسائل مکانیزه ضروری از کشورهای سوسیالیستی، از محل مبادلات بازرگانی با آنها و اعتباراتی که به ما داده بودند اقدام شد.

جمعی کردن کشاورزی درحالی آغاز شد و پایان یافت که یگانه پایه اش عبارت بود از کنوپراتیو کشاورزی تولید از نوع آرتل. این شکل از کنوپراتیو بر اساس اشتراکی کردن زمین، وسائل تولید و کار قرار داشت. توزیع عوائد فقط بر حسب کاری انجام می گرفت که هر عضو کنوپراتیو به سود بهره برداری جمعی انجام می داد.

در طی جمعی کردن کشاورزی کوشش هائی به عمل آمد که از شکل های بدوی کنوپراتیو تولید، مانند گروه کشاورزی که فقط بر اشتراکی کردن کار مبتنی باشد، نیز استفاده شود. ولی این شکل های جنبش کنوپراتیوی که می بایست حلقه واسطی برای گذار به کنوپراتیو کشاورزی باشد جز مدت کوتاهی دوام نداشت و شیوع زیادی در روستا نیافت. دهقانان، بدون استفاده از شکل های واسطی، یکباره به کنوپراتیو کشاورزی پیوستند.

جنبش کنوپراتیوی هیچ سنتی در روستای البانی نداشت. بالنتیجه توده های روستائی، شکل کنوپراسیون تولید را که حزب به مثابه مناسب ترین شکل با آنها نشان داد پذیرفتند. دهقانان البانی اعتقاد بسیار به حزب داشتند، تحت رهبری حزب بود که آنان از یوغ بیگانگان و مالکان ارضی البانی رهائی یافتند و صاحب زمین شدند. دهقانان به تجربه معتقد گشته بودند که حزب همیشه راه درست را با آنها نشان می دهد و مصممانه از منافع آنها دفاع می کند. از این جهت جمعی کردن کشاورزی از نوع آرتل را پذیرفتند.

پس از رفرم ارضی در روستاهای البانی، بین دهقانان از حیث مساحت زمین و آلات کشاورزی تفاوت اقتصادی فاحشی وجود نداشت. از این جهت اتحاد آنها در کنوپراتیوها به چنان تصادم منافع اقتصادی مهمی در میان آنها نینجامید که توسل به شکل های واسط کنوپراسیون را ایجاب کند.

جمعی کردن وسیع کشاورزی به هیچ وجه باعث تغییر سیاست حزب نسبت به کولاک ها نشد. در این مرحله نیز مبارزه علیه آنها طبق سیاست پیشین به عمل می آمد که هدفش عبارت بود از محدود کردن اقتصادی آنها، منفرد ساختن سیاسی آنها و بر انداختن آنها. اجرای این سیاست به طور کلی برای بر انداختن کولاک ها به مثابه طبقه انجامید بدون آن که توسل به سلب مالکیت عمومی از آنها لازم آید. زور و فشار در مورد کولاک ها فقط در صورتی

اعمال می گردید که از قوانین و دستورهای دولت توده ئی تخلف می ورزیدند و یا علیه وی مرتکب جنایات سیاسی می شدند.

در ۱۹۶۰ هنوز در حدود ۱۵۰۰ بهره برداری کولاکی وجود داشت که کمتر از یک صدم مجموعه بهره برداری های دهقانی می شد. اینک بهره برداری های کولاکی پایه اقتصادی خود را از دست داده بودند. هر یک از آنها به طور متوسط کمتر از ۳ هکتار زمین، یک رأس دام بزرگ و کمتر از ۱۰ رأس دام کوچک داشت. درباره کولاکانی که هنوز برجای بودند همان سیاست پیشین به کار می رفت. در نتیجه این سیاست تعداد کولاکان پیوسته کمتر شد و قدرت اقتصادی آنها رو به کاهش نهاد. حزب همزمان با سیاست محدود ساختن کولاکان به تجدید تربیت آنها به ویژه پسران و دختران جوان خانواده های کولاکی اهمیت داد، بدون آن که هشیاری را از دست بدهد و بدون آن که در موقع لزوم از تنبیه شدید بازایستد.

خاتمه جمعی کردن کشاورزی و تقویت بازرگانی سوسیالیستی موجب شد که عناصر سرمایه داری در شهرها تقلیل بسیار یابند. خرده فروشی های خصوصی در گروه هائی متشکل شدند که فعالیت آنها تحت نظارت دولت بود. اکثریت آن عده قلیل پیشه ورانی که هنوز به طور خصوصی کار می کردند به کئوپراتیوهای پیشه وری پیوستند. در آغاز جمعی کردن کشاورزی، در هر ده، کوچک یا بزرگ، یک کئوپراتیو کشاورزی جداگانه تشکیل شد. در آن هنگام که وسائل کئوپراتیوها محدود بود و کادرها هنوز تجربه ای درباره بهره برداری جمعی نداشتند تشکیل کئوپراتیوهای مذکور ضرورت داشت.

وقتی که جمعی کردن کشاورزی نزدیک به پایان بود به تدریج کئوپراتیوهای کوچک فاقد شرایطی می شدند که برای تحکیم اقتصادی و سازمانی آنها و رشد سریع نیروهای مولد در روستا، ضروری بود. در اثر وضع مذکور به طور عینی لازم می آمد که کئوپراتیوها بزرگ تر شوند و تقویت یابند. خود دهقانان کئوپراتیوی بر این امر آگاهی یافته بودند و آن را مطالبه می کردند. پس حزب وظیفه داد که به بزرگ کردن کئوپراتیوها از طریق ادغام آنها اقدام شود و لو در عین حال سفارش کرد که ادغام باید به تدریج و حساب کرده و بر اساس داوطلبی و اقتناع کامل دهقانان کئوپراتیوی صورت گیرد. ادغام کئوپراتیوها وظیفه دراز مدتی بود که نمی بایست شتاب زده و به شکل نبرد عملی شود.

در آغاز ۱۹۵۹ برخی از نواحی تحت تأثیر شور و شوق دهقانان اعلام داشتند که ادغام کئوپراتیوها مسأله عمده روز است و در صدد بر آمدند که این جریان را در طی یکی دو سال به پایان برند. بالنتیجه رهنمود حزب نقض شد. کئوپراتیو های متحد بدون آن که قبلاً مطالعه جدی به عمل آمده و شکل ها و مقررات سازماندهی فعالیت آنها آنطور که شاید و باید منظور شده تشکیل می گردید. این جریان ادغام نه فقط مناطق دشت بلکه مناطق کوهستانی را نیز فرا گرفت. بعضی از کئوپراتیو های متحد شامل ۱۰ تا ۱۵ روستا و مساحتی بالغ بر ۴۰۰۰ هکتار بودند. برخی از کادرها می پنداشتند که مسأله تحکیم اقتصادی و سازمانی کئوپراتیوها با این طریق سریعتر حل خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب این اشتباهات را به موقع کشف و برای رفع آنها تصمیمات لازم اتخاذ کرد. کمیته مرکزی صدمه ای را که ممکن بود ادغام شتابزده و نابه هنگام کئوپراتیوها به امر جمعی کردن کشاورزی وارد سازد خاطر نشان ساخت و سفارش کرد که شرایط کئوپراتیوها مورد بررسی دقیق قرار گیرد و ادغام احتمالی آنها فقط بر طبق شرایط مذکور صورت پذیرد.

از آن پس ادغام کئوپراتیو ها فقط بعد از بررسی عمیق و آن هم در مناطق دشت صورت پذیرفت و کئوپراتیو های متعدد در آغاز بیش از ۲ یا ۳ روستا را در بر نمی گرفتند. در همین اوقات دولت کمک خود را به کئوپراتیوهای

متحد از حیث وسائل مکانیزه، اعتبارات کشاورزی و متخصصان توسعه داد و حزب برای آن که اداره کئوپراتیوهای متحد تقویت شود تعداد کثیری کادر از شهر ها به روستاها اعزام داشت که به صدارت این کئوپراتیوها انتخاب شدند. ادغام کئوپراتیوهای کوچک و تشکیل کئوپراتیوهای متحد امکانات جدیدی برای تقویت اقتصادی و سازمانی آنها به وجود می آورد. کئوپراتیوهای متحد در اثر مساحت وسیع خویش موجب می شدند که از زمین و وسائل مکانیزه بهتر بهره برداری شود و کار اعضای کئوپراتیوها ثمر بخش گردد. در کئوپراتیوهای متحد هماهنگی رشته های مختلف کشاورزی، استفاده صحیح تر و دقیق تر از سرمایه گذاری و تقلیل هزینه مدیریت بهتر میسر می گردید. توسعه کئوپراتیوها امکان داد که از مزایای سیستم نوین سوسیالیستی در کشاورزی بهتر استفاده شود.

جمعی کردن کشاورزی پایه اقتصادی و اجتماعی جدیدی به وجود آورد که پشتیبانی آفرینش وجدان سوسیالیستی در نزد دهقانان بود. این آفرینش ممکن نبود خود به خود و ناگهانی، بدون کار آموزشی از جانب حزب و بدون اتخاذ تدابیر اقتصادی و سازمانی دیگر صورت پذیرد. دهقانان در طی قرن ها عادت کرده بودند که در سیستم اقتصاد انفرادی زندگی و کارکنند و از این جهت دستخوش احساسات و عاداتی بودند که مالکیت خصوصی به وجود می آورد. این امر در نقایص و کمبود هائی که در زمینه سازمانی به چشم می خورد و در برخورد دهقانان به کار و به مالکیت جمعی تظاهر می کرد.

در چنین شرایط حزب به تقویت کار آموزشی در نزد دهقانان کئوپراتیوی پرداخت تا این که آنان مساعی خود را مصروف توسعه اقتصاد مشترک گردانند، شرکت خویش را در تولید افزایش دهند و انضباط کار را تحکیم کنند. به علاوه تدابیر خاصی نیز در زمینه سازمانی پاداش کار و اجرای اساسنامه اتخاذ گردید.

شیوه مدیریت کئوپراتیوها روبه بهبود نهاد. اعضای کئوپراتیوها دلسوزی بیشتر نسبت به اقتصاد جمعی نشان می دادند و مساعی خویش را در آماده ساختن اراضی جدید کشاورزی دو چندان ساختند. روابط اقتصادی میان دولت و کئوپراتیوها باز هم نیرومند تر شد.

جمعی کردن کشاورزی ضمناً باعث تغییر شرایط زندگی مادی و فرهنگی روستاها گردید. دهقانان فقط در سالهای ۱۹۵۶-۱۹۶۰ قریب ۳۰۰۰۰ خانه تازه ساختند. در ۱۹۵۹ در روستاها ۲۵۰۰ مدرسه آموزشی عمومی و قریب ۱۳۰۰ خانه وکانون فرهنگ وجود داشت. صد ها کادر متخصص و صاحب تحصیلات متوسط و عالی در روستاها مشغول کار بودند.

ادامه دارد...